



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در مواردی بود که رخصت در افطار داشتند و مورد سوم ذوالعطاش بود که از آن بحث کردیم فقط در تتمه بحث یک مطلب باقی ماند و آن اینکه صاحب عروة فرمودند: **الأحوط أن يقتصر علی مقدار الضرورة**؛ یعنی ذوالعطاش باید به مقدار ضرورت که باعث رفع تشنگی می شود اکتفاء کند و نباید خودش را سیراب کند، خوب در دلیل این مطلب بین محشین و شراح عروة بحث های زیادی انجام شده است زیرا بعد از آنکه روزه انسان شکسته شد دیگر فرقی نمی کند که یک جرعه آب بخورد یا بیشتر از آن، لذا باید ببینیم به چه دلیلی بر این شخص (ذوالعطاش) لازم است که بر مقدار ضرورت اکتفاء کند؟ دو روایت در باب ۱۶ از ابواب من یصح منه الصوم وجود دارد که باید ببینیم آیا بر این چیزی که صاحب عروة می گوید (إقتصار علی مقدار الضرورة) دلالت دارد یا نه؟. خبر اول از باب ۱۶ را دیروز خواندیم و حالا خبر دوم از این باب ۱۶ را می خوانیم تا بعد ببینیم بر مانحن فیه دلالت دارد یا نه، خبر این است: «وعن علی بن إبراهیم عن أبيه عن إسماعیل بن مرار عن یونس عن المفضل بن عمر قال: قلت لأبي عبد الله (ع) إن لنا فتیات و شباناً لا یقدرون علی الصیام من شدة ما یصیبه من العطش؟ قال: فلیشربوا بقدر ما تروی به نفوسهم و ما یحذرون». . اسماعیل بن مرار توثیق نشده و اما در مورد دلالت این دو خبر باید عرض کنیم که این دو خبر مربوط به بحث ما یعنی افرادی که ذاتاً شارع مقدس به آنها اجازه و رخصت خوردن را داده نمی باشند بلکه مربوط به افرادی هستند که یک حادثه اتفاقی برای آنها پیش آمده و شارع مقدس هم برای آنها تجویز کرده که به مقدار رفع عطش آب بخورند، بنابراین استدلال به این دو خبر از باب ۱۶ برای مانحن فیه صحیح نمی باشد.

**الرابع: الحامل المقرب التي یضرها الصوم أو یضر حملها فتنظر و تتصدق من مالها بالمد أو المدین و تقضى بعد ذلك.**

در اینجا چند مطلب وجود دارد اول اینکه شارع مقدس به خود حامل مقرب از باب اینکه روزه برایش ضرر دارد و برای دفع این ضرر اجازه تا اینکه روزه اش را بخورد یعنی تقریباً شبیه به مریض می باشد، دوم اینکه اگر می ترسد که روزه برای حملش ضرر داشته باشد از باب تراحم می تواند روزه اش را بخورد یعنی حکم وجوب صوم که مهم است با یک اهم دیگری که وجوب حفظ نفس بجه می باشد مزاحم است لذا مادر می تواند از باب اهم و مهم روزه اش را بخورد، خوب حالا اگر روزه اش را خورد باید لکلّ یوم مدّ تصدق بدهد و بعداً که اشکالش رفع شد قضای روزه هایش را بجا بیاورد. خوب و اما در مورد حامل مقرب چند مطلب وجود دارد که باید درباره آنها بحث کنیم؛ اول اینکه لا اشکال در اینکه **کلّ من یضره الصوم محکوم بالافطار** و در جواز خوردن هیچ بحثی وجود ندارد.

مطلب دوم در مورد وجوب قضا می باشد که مشهور و معروف است بل عن الخلاف دعوی الإجماع علیه و خبر ۱ از باب ۱۷ از ابواب من یصح منه الصوم نیز بر این مطلب دلالت دارد، خبر این است: «محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن العلاء بن رزین عن محمد بن مسلم قال: سمعت أبا جعفر (ع) یقول: الحامل المقرب والمرضع القليلة اللبن لا حرج علیهما أن تفترا فی شهر رمضان لأنهما لا یطیقان الصوم و علیهما أن یتصدق کلّ واحد منهما فی کلّ یوم یفطر فیه بمدّ من طعام، و علیهما قضاء کلّ یوم أفطرتا فیه، تقضیانه بعد». . خبر سنداً صحیح است و دلالتش بر مانحن فیه روشن است.

خبر بعدی که گفته شده بر مانحن فیه دلالت دارد خبر ۲ از همین باب ۱۷ می باشد، خبر این است: «و باسناده عن ابن مسکان عن محمد بن جعفر قال: قلت لأبي الحسن (ع) إن إمرأتی جعلت علی نفسها صوم شهرین فوضعت ولدها و أركها الحبل فلم تقو علی الصوم؟ قال: فلتصدق مکان یوم بمدّ علی مسکین». . این خبر مربوط به بحث ما یعنی وجوب قضا نمی شود زیرا ما از صوم ماه رمضان بحث می کنیم در حالی که این خبر مربوط به صوم نذر می باشد.

فقط اختصاص به صورتی دارد که بر بچه اش بترسد و همچنین می خواهند بگویند که ترسیدن بر بچه در صورتی متصور است که حامل مقرب باشد و اِلّا اول که زن حامله می شود ترسیدن بر حمل معنی ندارد بنابراین وقتی گفته شده حامل المقرب یعنی فقط در آن صورتی که روزه برای حملش ضرر دارد و بر حملش می ترسد باید تصدق بدهد و اِلّا ذکر کلمه مقرب لغو می باشد، خوب ما عرض می کنیم که این حرف صحیح نیست زیرا در خارج این طور معمول است که روزه برای بچه ضرر دارد چه مقرب باشد و چه نباشد و از طرفی روایت اطلاق دارد و کلمه مقرب نمی تواند قرینه بر اختصاص تصدق به موردی که روزه فقط برای حملش ضرر دارد باشد (این بحث در ص ۵۲ از جلد ۲ مستند العروة مطرح شده) ...

و الحمد لله رب العالمین اولاً و آخراً و صلی الله علی

محمد و آله الطاهرین

خبر بعدی خبر ۳ از همین باب ۱۷ می باشد، خبر این است: « محمد بن ادریس فی آخر (السرائر) نقلاً من کتاب (المسائل الرجال) روایة أحمد بن محمد بن الجوهري و عبدالله بن جعفر الحمیری جميعاً عن علی بن مهزیار قال: کتبت إلیه - یعنی: علی بن محمد (ع) - أسأله عن امرأة ترضع ولدها و غیر ولدها فی شهر رمضان فیشد علیها الصوم و هی ترضع حتی یغشی علیها ولا تقدر علی الصیام، أترض و تظفر و تقضی صیامها إذا أمکنها أو تدع الرضاع و تصوم؟ فان کانت ممن لا یمكنها اتخاذ من یرضع ولدها، فکیف تصنع؟ فکتب: إن کانت ممن یمكنها اتخاذ ظئر استرضعت لولدها و أتمت صیامها، و إن کان ذلك لا یمكنها أفطرت و أرضعت ولدها و قضت صیامها متی ما أمکنها ». بعضی از روایات در کتب اربعه ذکر نشده اند لذا ابن ادریس حلی در آخر سرائر آن دسته از روایاتی را که در کتب اربعه نیامده ذکر کرده است و این خبر یکی از همان اخبار می باشد، و دلالت این خبر بر مانحن فیه روشن است.

مطلب سوم در مورد وجوب تصدق و کفاره می باشد، لا اشکال در اینکه فی الجملة باید تصدق بدهد منتهی کلام در این است که آیا تصدق فقط اختصاص دارد به آن جایی که بترسد بر آن بچه ای که در شکمش است؟ یا اینکه حتی اگر بر خودش هم بترسد باید تصدق بدهد؟ بنابراین باید ببینیم که آیا تصدق فقط اختصاص دارد به آن صورتی که بر بچه بترسد یا اینکه اعم از آن است که بر بچه بترسد یا بر خودش؟ البته در صورتی که بر بچه بترسد همه قبول کرده اند که باید تصدق بدهد منتهی می خواهیم ببینیم که آیا این خبر اعم است و شامل صورتی که بر خودش هم بترسد می شود یا نه؟ بعضی ها من جمله آقای خوئی در حاشیه عروه و در مستند العروة اصرار دارند که فقط در صورتی که بر بچه بترسد باید تصدق بدهد، دلیل ایشان این است که فرموده اند در روایت یک قرینه ای است که دلالت دارد بر اینکه تصدق فقط شامل صورتی می شود که بر بچه بترسد و آن قرینه کلمه مقرب است (حامل المقرب) و اگر قرار بود که تصدق بر خود زن حامل هم واجب باشد دیگر لفظ مقرب در روایت ذکر نمی شد، در واقع ایشان می خواهند کلمه مقرب را دلیل بر این بگیرند که تصدق